

آسیب‌شناسی مسئولیت مدنی مأمور در قانون مجازات اسلامی

حسن بادینی^۱، احد شاهی دامن‌جانی^{۲*}، حسن علی‌پور^۳

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۷)

چکیده

از جمله مسائل مبنایی در نظام‌های حقوقی، مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح است که همواره ذهن دانشمندان حقوقی را به خود مشغول کرده است. قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ نسبت به موضوع یادشده ساکت است، ولی بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت مأموری که دستور غیرقانونی مقامات صالح را به‌علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، در دیه و ضمانت تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌داند. البته با ملاحظه قانون اخیر، استنباط‌شدنی است که مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ نیز با بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون یادشده پیوند دارند و با تجزیه و تحلیل آن‌ها، باید قاعده کلی مربوط به مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح را به‌دست آورد. با وجود این، به نظر می‌رسد به مواد یادشده ایرادهای گوناگونی وارد است و می‌تواند با عنوان‌های ایرادهای ساختار قانون‌نویسی، از جمله مطرح‌نشدن موضوع مورد بحث در زیرمجموعه قوانین مدنی، و ایرادهای ماهوی و فنی، مانند پیش‌بینی‌نشدن حالت‌های مختلف اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح و تأثیر آن‌ها بر مسئولیت مدنی مأمور و تبیین‌نشدن ملاک اشتباه قابل قبول در اجرای این‌گونه دستورها به‌وسیله قانون‌گذار، مطالعه شود و در پایان، پیشنهادهایی به قانون‌گذار در این زمینه مطرح شود.

کلیدواژگان

ایرادهای ساختاری، ایرادهای ماهوی، قانون مجازات اسلامی، ملاک اشتباه قابل قبول.

* نویسنده مسئول، رایانامه: Ahadshahi@yahoo.com

مقدمه

یکی از حوزه‌هایی که حقوق کیفری با آن پیوند فراوانی دارد، حوزه مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح است که در نظام‌های حقوقی مختلف مورد بحث قرار گرفته و آرای مهمی راجع به آن صادر شده است. گاهی اتفاق می‌افتد که مأموری دستور غیرقانونی مقامات صالح را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا می‌کند و در نتیجه، به دیگری زبانی وارد می‌شود. برای مثال مقامات دادسرا دستور بازداشت شخصی را برخلاف مقررات مربوطه صادر می‌کنند و ضابطین دادگستری نیز آن را اجرا می‌کنند. البته مطابق با بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی «مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، ... در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است» و مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون یادشده^۱ با بخش دوم ماده ۱۵۹ پیوند دارند که از نظر ساختاری و ایرادهای گوناگونی به آن‌ها وارد است.

با توجه به مطالب گفته شده، پرسش اصلی تحقیق پیش‌رو این است که چه ایرادهایی به مواد

۱. باید توجه کرد که گرچه مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مربوط به مسئولیت مدنی پزشک است، از دو نظر با بحث مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح ارتباط دارد، نخست اینکه، مفهوم مقامات صالح و مأمور شامل حوزه‌های مختلف، از قبیل نظامی، پزشکی، اداری و مانند این‌ها می‌شود. بنابراین، در مسئولیت مدنی پزشکان و پرستاران بیمارستان‌های دولتی، به دلیل صدور و اجرای دستور غیرقانونی معالجه، علاوه بر ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، مواد یادشده قابل اجرا است؛ دوم اینکه، بنا بر تبصره ۱ ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، چنانچه «پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این، به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست؛ بلکه صدمه و خسارت مستند به خود ... پرستار است» و در آن ماده، پزشک و پرستار خصوصیتی ندارد و می‌توان در سایر حوزه‌های مسئولیت مدنی مقامات صالح و مأمور، مانند نظامی و اداری، اجرا کرد. علاوه بر این‌ها، براساس قاعده کلی یادشده در ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، پزشک در معالجاتی که انجام‌دادن آن را به پرستار می‌دهد، در فرض ورود خسارت مسئولیت مدنی دارد؛ مگر اینکه مطابق با ماده ۴۹۵ قانون یادشده، عمل کند و با توجه به این ارجاع، ماده ۴۹۵ نیز از مواد قانونی مربوط به مسئولیت مدنی مقامات صالح و مأمور است.

۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی در زمینه مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح وارد به نظر می‌رسد و آیا آن ایرادها قابل رفع‌اند؟ در پاسخ پرسش یادشده می‌توان گفت: مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی ایرادهای ساختاری قانون‌نویسی، از جمله مطرح‌نشدن موضوع مورد بحث در زیرمجموعه قوانین مدنی، و ایرادهای ماهوی و فنی، مانند پیش‌بینی‌نشدن حالت‌های مختلف اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح و تأثیر آن‌ها بر مسئولیت مدنی مأمور و تبیین‌نشدن ملاک اشتباه قابل قبول در اجرای این‌گونه دستورها به وسیله قانون‌گذار دارند و از نظر تحلیلی، آن ایرادها قابل رفع‌اند.

مسائل مورد نظر در این پژوهش از مباحثی است که به مناسبت‌های مختلف در کتاب‌های حقوقی مطرح شده است. بیشتر دانشمندانی که در زمینه مسئولیت کیفری و مدنی تحقیق کرده‌اند، زیرعنوان‌هایی، برای مثال «عوامل سالب مسئولیت کیفری»، «علل تبرئه‌کننده»، «مجرم در برخورد با علل توجیه‌کننده جرم»، «علل موجهه (رافع تقصیر)» و مانند این‌ها، تا حدودی مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح را مطالعه کرده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۶۹؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۴؛ نوربها، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸؛ حق‌پناهان، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷-۲۰۵، ۲۱۰؛ نجفی توانا و میلکی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۴-۲۴۱؛ دادبان، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱-۱۹۸؛ صفری کاکرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴-۱۲۲؛ فرج‌اللهی، ۱۳۷۶، ص ۳۴-۳۳؛ عربیان و حقیقی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰-۱۰۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۱۴-۳۱۳؛ رحیمی و صفایی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲-۱۷۰)، و استادانی نیز به‌طور اختصاصی قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ را آسیب‌شناسی کرده‌اند.^۱ با وجود این، حقوق‌دانان موضوعاتی مانند ایرادهای ساختاری و ماهوی وارده به مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، تبیین ملاک اشتباه قابل قبول مأمور در اجرای دستور غیرقانونی و یکسان یا متفاوت بودن آن در دو حوزه کیفری و مدنی، مبنای مسئولیت ناشی از پرداخت دیه و اینکه مسئولیت محض به شمار می‌آید یا مسئولیت مبتنی بر تقصیر؟ را مطالعه نکرده‌اند. بنابراین،

۱. برای مطالعه تفصیلی ر.ک. توجهی (۱۳۹۴).

علی‌رغم اهمیت علمی موضوعات گفته‌شده و ثمرات عملی آن‌ها، تحقیق جامع و مستقلى در این موارد در حقوق مسئولیت کیفری و مدنی یافت نمی‌شود که جنبه‌های نوآوری و ضرورت انجام‌دادن چنین پژوهشی را می‌رساند.

بدین ترتیب، مطالب پژوهش حاضر در دو مبحث جداگانه بررسی شده است، در مبحث نخست، به آسیب‌شناسی مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ از نظر ساختار قانون‌نویسی سخن گفته می‌شود. زیرا از این نظر، ایرادهای گوناگونی به مواد یادشده وارد به نظر می‌رسد، که ضروری است در مبحث اول بررسی شوند. در مبحث دوم، مواد یادشده از منظر ماهوی و فنی مطالعه می‌شود، زیرا از این نظر نیز، مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ ایرادهای گوناگونی دارند که تحلیل آسیب‌شناسانه آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

بررسی مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ ق.م.ا از نظر ساختاری

منظور از ساختار قانون‌نویسی، به‌طور عمده اصول و قواعدی است که قانون‌گذاران باید از نظر شکلی در تدوین و تصویب قانون رعایت کنند، قواعدی مانند طرح بحث در جایگاه علمی آن، همان‌طور که نمی‌توان انتظار داشت در موادی قانونی که اساساً مربوط به امور جرائم و مجازات‌ها است، قانون‌گذار سخن از مسئولیت مدنی داشته باشد^۱ یا اینکه قانون‌گذار نمی‌تواند در پیش‌بینی مقرره‌ای در زمینه موضوعی در قانون واحد، در یک‌جا نظر به یک شیوه قانون‌نویسی داشته باشد و در جایی، به شیوه دیگر آن. بنابراین، مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ و تطبیق مطالب گفته‌شده بر این مواد بررسی شده است.

۱. شایان ذکر است برخی استادان در آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی، به ایراد ساختار قانون‌نویسی زیرعنوان اشکال «قانون‌نگاری: نظم ساختاری» اشاره کرده‌اند (توجهی، ۱۳۹۴، ذیل مواد ۷۴ و ۷۵ قانون مجازات اسلامی، ص ۱۲۵-۱۲۴).

تعارض با لزوم پیش‌بینی مسئولیت مدنی مأمور به واسطه اجرای دستور غیرقانونی در مجموعه قوانین مدنی

از نظر ساختار قانون‌نویسی، بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، با توجه به مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ آن قانون، با نقد اساسی تعارض با لزوم پیش‌بینی مقررات مسئولیت مدنی، از جمله مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، روبه‌رو است. با این توضیح که این موضوع از مباحث حقوق مسئولیت مدنی است و مبنایی برای طرح آن در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. در واقع، بند دوم ماده ۱۵۹، در فصل دوم از بخش چهارم کتاب اول قانون مجازات اسلامی و زیرعنوان «موانع مسئولیت کیفری» مطرح شده است و از این رو، از نظر محتوایی، مفاد بند دوم ماده ۱۵۹ با عنوان یادشده در بالا سازگار نیست. زیرا عنوان در زمینه «موانع مسئولیت کیفری» است، در حالی که بند دوم ماده ۱۵۹ مربوط به حکم مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح است. همان‌طور که نقد گفته شده به مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی وارد است و جای تصویب آن‌ها، در مجموعه مقررات مدنی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مطابق با برخی قواعد و اصول نگارش متون رسمی، از جمله قانون، باید مطالب یک بخش با عنوان داده شده به آن هماهنگ باشد. ولی، در وضع بند دوم ماده ۱۵۹ و نیز مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، این نکته ساختاری قانون‌نویسی مورد توجه نویسندگان آن قرار نگرفته است و به همین دلیل، شیوه قانون‌گذاری یادشده قابل انتقاد می‌نماید.

به نظر می‌رسد دلیل اساسی وضع بند دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲، اشکال شورای نگهبان به نحوه تنظیم اولیه آن از سوی قانون‌گذار است. زیرا در نسخه ابتدایی قانون مجازات اسلامی ارسالی به شورای نگهبان برای احراز انطباق یا عدم انطباق آن با موازین قانونی و مقررات شرعی به وسیله چنین شورایی، در این مقررده صرفاً مسئولیت کیفری مأمور از بابت اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح مورد توجه قانون‌گذاری قرار گرفته بود.

بنابراین، از نظر شورای نگهبان سکوت یادشده، به معنای عدم مسئولیت مدنی مأمور در اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح محسوب می‌شود که بر این اساس، آن را مخالف موازین شرعی

دانسته است. علاوه بر این، از لحاظ تاریخی چنین نظری، در زمینه ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز عیناً تکرار شده است (ر.ک. مهرپور، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۳۸).

با وجود این، برداشت شورای نگهبان از سکوت قانون‌گذار در وضع اولیه ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی درباره مسئولیت مدنی مأمور در اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح و حمل آن بر عدم مسئولیت مأمور، قابل قبول نیست. بدیهی است قانون‌گذار در وضع ماده ۱۵۹ فقط در مقام بیان حکم مسئولیت کیفری مأمور به واسطه اجرای دستور یادشده است. بنابراین، نمی‌توان از اطلاق تنظیم اولیه ماده ۱۵۹ گفت: مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات مسئولیت مدنی ندارد. همان‌طور که دانشوران اصولی گفته‌اند، در صورتی می‌توان از مقرر حقوقی اطلاق‌گیری کرد که در آن شرایط «مقدمات حکمت» فراهم باشد. البته از جمله شرایط مقدمات حکمت، در مقام بیان بودن قانون‌گذار است، مقصود این است که برای امکان به‌کارگیری اطلاق تنظیم اولیه ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، باید برای مخاطبان حقوقی احراز شود که قانون‌گذار در آن در مقامی است که می‌خواهد همه جهات مسئولیت مأمور را به واسطه اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، یعنی مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی و مسئولیت انتظامی، به آن‌ها اعلام کنند.

ولی قرائنی در قانون مجازات اسلامی وجود دارد که نشان می‌دهد باید امکان به‌کارگیری از چنین اطلاقی را رد کرد و از ظاهر تنظیم اولیه ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی نیز گذشت، با لحاظ عنوان فصل دوم از بخش چهارم کتاب اول قانون مجازات اسلامی، یعنی «موانع مسئولیت کیفری»، که این ماده هم ذیل آن تنظیم شده است، به‌خوبی می‌توان استنباط کرد، قانون‌گذار فقط در مقام بیان حکم مسئولیت کیفری مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، به‌علت اشتباه قابل قبول، بوده است.^۱

سخن کوتاه اینکه نویسندگان قانون مجازات اسلامی، در بخش دوم ماده ۱۵۹ آن قانون، بر

۱. به تعبیر اصولی‌ها، نویسندگان صورت اولیه ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، در زمینه مسئولیت مدنی مأمور به واسطه اجرای چنین دستور غیرقانونی مقامات صالح، در مقام اهمال بوده‌اند، نه بیان (برای مطالعه تفصیلی شرط در مقام سخن بودن گوینده به عنوان، از جمله شرایط مقدمات حکمت ر.ک. موسوی خمینی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۴۲۷-۴۲۵).

مبنای اشکال شورای نگهبان، برای تأمین نظر این شورا حکم مسئولیت مدنی مأمور را به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، به قواعد و اصول مسئولیت احاله داده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، «دیه» و «ضمان» در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند و از سوی دیگر، مطابق با ماده ۴۵۲ همان قانون، دیه «احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد». بنابراین، منظور از دیه در بخش دوم ماده ۱۵۹، به طور کلی تعیین جنایاتی که در آن‌ها باید دیه پرداخت شود و احکام و آثار دیه است و بر همین مبنا، فقط موارد پرداخت دیه و تعیین جنایات ناشی از اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، به دلیل اشتباه قابل قبول، که موجب پرداخت دیه هستند، باید در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شوند؛ منتها مسئولیت مدنی و احکام و آثار دیه ناشی از جنایات ارتكابی به دلیل اجرای دستور یادشده، باید در مقررات مسئولیت مدنی تصویب شوند.

تعارض با واحد بودن مبنا و شیوه قانون گذاری

یکی از ایرادهای ساختار قانون‌نویسی وارد به قانون مجازات اسلامی در زمینه مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، تعارض آن با مبنا و شیوه قانون گذاری است، همان‌طور که می‌دانیم، براساس اصول و قواعد ساختاری، در متون رسمی، از جمله قانون، باید از مبنا و شیوه واحدی برای تدوین مطالب یادشده در آن‌ها پیروی کرد.^۱ با وجود این، نویسندگان

۱. همان‌طور که در قانون‌المجله - قانون مدنی دولت عثمانی - که تمام باب‌های آن براساس فقه حنفی نگاشته شده است و شامل شانزده کتاب و ۱۸۵۱ ماده می‌شود، واحد بودن مبنا و شیوه قانون گذاری در زمینه مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح ملاحظه می‌شود. زیرا از نظر ساختار قانون‌نویسی، مواد ۸۹، ۹۵ و ۹۲۷، که مربوط به موضوع گفته شده است، تماماً از فقه حنفی اقتباس شده‌اند. همچنین، نویسندگان آن مواد، مسئولیت مدنی مأمور را به واسطه اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح تابع قواعد عمومی ندانسته‌اند و اصولاً به وضع مقررات خاص در این زمینه پرداخته‌اند. بدین‌سان، به موجب مواد ۸۹ و ۹۵ قانون‌المجله، به‌عنوان قاعده کلی فعل زیانبار به مأمور نسبت داده می‌شود؛ نه به مقام صالح، به شرط این‌که مأمور مجبور به اجرای دستور غیرقانونی نباشد. همان‌طور که دستور به اتلاف مال دیگری، به دلیل غیرقانونی بودن آن، باطل است. به‌علاوه، به استناد ماده ۹۲۷ قانون یادشده، هیچ کس نمی‌تواند در راه‌های عمومی بدون اذن حاکم خرید و فروش کند یا چیزی در آن‌ها قرار دهد یا تصرفی کند، و اگر شخصی در این‌گونه راه‌ها بدون اذن حاکم تصرفی کند، مسئول ضرر و زیان ناشی از چنین تصرفی است.

قانون مجازات اسلامی، درباره حکم مسئولیت مدنی مأمور از بابت اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، از دو جهت، شیوه واحد قانون گذاری را به کار نگرفته است، جهت اول، از نظر شکل قانون گذاری، یعنی ظاهراً هم به شکل قانون اروپایی توجه داشته اند و هم به شکل مقررات اسلامی؛ جهت دوم، پیروی یا عدم پیروی مسئولیت مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح از قواعد عمومی مسئولیت مدنی، به موجب بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، با لحاظ مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ آن. بر همین مبنا، در ادامه هر یک از جهت های یادشده مطالعه می شود.

جهت اول) تفاوت از نظر شکل قانون گذاری: نویسندگان قانون مجازات اسلامی در انشای حکم مسئولیت مدنی مأمور به واسطه اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، از دو شکل قانون نویسی پیروی کرده اند: در شکل نخست، ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی - که از قانون مجازات فرانسه اقتباس شده است - در ابتدا حاوی مقررهای عمومی در زمینه مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح نبود و فقط حکم مسئولیت کیفری مأمور را، در اجرای دستور یادشده، بیان می کرد. همان طور که بند ۴ ماده ۱۲۲ قانون جزای جدید فرانسه، مصوب ۲۲ جولای ۱۹۹۲ لازم الاجرا از اول مارس ۱۹۹۴، فقط در مورد مسئولیت کیفری مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات مافوق است و اساساً حکمی درباره مسئولیت مدنی ناشی از اجرای دستور غیرقانونی به وسیله مأمور ندارد (Viney & Jourdain, 1993, p.567).

همان طور که اشاره شد، در حقوق ایران، بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، به منظور تأمین نظر شورای نگهبان به آن ماده اضافه شده است و به همین دلیل، ماده ۱۵۹ از نظر ظاهر به شیوه قانون فرانسه نگارش یافته است و از نظر محتوا با فقه اسلامی قرابت دارد؛

شکل دوم، مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، به ترتیب در فصل های «مسئول پرداخت دیه» و «موجبات ضمان» از کتاب دیات قانون مجازات اسلامی، قاعدتاً به فقه امامیه نظر داشته و «فروعات ضمان قهری» [مربوط به مسئولیت مدنی مقامات صالح و مأمور] در آن [مواد] کاملاً به شیوه کتب فقهی مطرح گردیده است» (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۵۰).

به نظر می‌رسد که یکی از علل دشواری‌های استنباط و به‌دست‌آوردن قاعده کلی مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح در قانون مجازات اسلامی، همین تعدد شیوه قانون‌گذاری در این زمینه می‌باشد و به همین دلیل، وضعیت یادشده قابل انتقاد می‌نماید؛

جهت دوم) پیروی یا عدم پیروی مسئولیت مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح از قواعد عمومی مسئولیت مدنی: مطابق با بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور یادشده، تابع مقررات عمومی مسئولیت مدنی است. بنابراین، نویسندگان قانون مجازات اسلامی، در ماده فوق اعلام داشته‌اند، وضع ماده خاصی درباره مسئولیت مدنی مأمور به واسطه اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح در قوانین و مقررات کیفری لازم نیست و باید از طریق تفسیر قواعد عمومی مسئولیت مدنی، حکم مسئله را به‌دست آورد.

با وجود این، قانون‌گذار در مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، به‌ترتیب در فصل‌های «مسئول پرداخت دیه» و «موجبات ضمان» از کتاب دیات قانون مجازات اسلامی، ضروری دانسته است که پاره‌ای از احکام و آثار مسئولیت مدنی مأمور را به‌دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح به شیوه مرسوم در کتب معتبر فقهی مطرح کند.

بر همین اساس، به نظر می‌رسد بند دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی را، که مربوط به یک موضوع مسئولیت مدنی است، از این قانون که درباره مقررات جزایی است باید حذف شود و قانون‌گذار در زمینه دیه نیز باید تفاوت‌گذار و تعیین جنایات موجب دیه به‌دلیل اجرای دستور غیرقانونی به وسیله مأمور باید در قانون مجازات اسلامی باشد و احکام و آثار دیه مربوط به مقررات مسئولیت مدنی است، همان‌طور که ماده ۴۵۲ قانون یادشده، دیه را از نظر احکام و آثار تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌داند. البته مطالب گفته‌شده در مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ نیز باید اجرا شود و این مواد تا حدودی که مربوط به جنایات مستوجب دیه در زمینه اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح است، باید در قانون مجازات اسلامی باقی بمانند و مقوله مسئولیت مدنی و احکام و آثار دیه در مورد اجرای این‌گونه دستورها، باید در قوانین و مقررات مدنی پیش‌بینی شوند.

بررسی مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ ق.م.ا از نظر تحلیلی

بعد از مطالعه مواد یادشده از نظر ساختار قانون‌نویسی، اکنون نوبت به بررسی تحلیلی مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی از حیث ماهوی و فنی می‌رسد. بنابراین، می‌توان دو ایراد فنی و مبنایی بر بند دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی و مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ همان قانون، وارد دانست: ۱. پیش‌بینی‌نشدن حالت‌های مختلف اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح و تأثیر آن‌ها بر مسئولیت مدنی مأمور؛ ۲. تبیین‌نشدن ملاک اشتباه قابل قبول در اجرای دستور غیرقانونی به‌وسیله مأمور، که در ادامه دو ایراد یادشده بررسی می‌شود.

پیش‌بینی‌نشدن حالت‌های مختلف اجرای دستور غیرقانونی و تأثیر آن‌ها بر مسئولیت مدنی مأمور

مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح به حالت‌های مختلفی قابل تقسیم است، حالت نخست اینکه مأمور در اجرای دستور مقامات صالح به غیرقانونی بودن به آن آگاه است؛ حالت دوم اینکه مأمور به اشتباه دستور غیرقانونی را قانونی تصور می‌کند و آن دستور را اجرا می‌کند. البته در هر یک از حالت‌های یادشده نیز، ممکن است اجرای دستور یا تصور اشتباه مأمور به واسطه غرور یا اکراه مقامات صالح باشد. علاوه بر این‌ها، پرسش اساسی در مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی قابل طرح است و آن اینکه آیا صرف وجود رابطه امری و مأموری موجب می‌شود تا عرفاً مأمور در اجرای آن دستور، مکره به حساب آید یا خیر؟ با وجود این، بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی و مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ همان قانون، به حالت‌های مختلف اجرای دستور غیرقانونی و تأثیر آن‌ها بر مسئولیت مدنی مأمور و پرسش اساسی گفته شده، اشاره‌ای ندارند. البته پیش از پرداختن به حالت‌های مختلف یادشده و پاسخ به آن پرسش، به استناد ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی، به عنوان قاعده کلی، می‌توان گفت: اگر مأمور دستور قانونی مقامات صالح را مطابق با مقررات اجرا کند و اجرای دستور موجب ورود خسارات به دیگری، اعم از بدنی، مالی و معنوی شود، مأمور مسئولیت کیفری و مدنی نخواهد داشت.

در تفکیک حالت‌های مختلف اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح و تأثیر آن‌ها بر مسئولیت مدنی، باید گفت اگر مأمور از اجرای دستور غیرقانونی آگاه باشد و هیچ‌گونه اکراهی به‌وسیله

مقامات صالح در اجرای دستور غیرقانونی وجود نداشته باشد، مطابق با عموم ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۳۲ قانون مدنی، عرفاً خسارات منتسب به مأمور است و او ملزم به جبران به زیان دیگری است. همان‌طور که مطابق با تبصره ۱ ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی: «... هرگاه .. پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این، به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست؛ بلکه صدمه و خسارت مستند به خود ... پرستار است». البته ممکن است اجرای دستور غیرقانونی در نتیجهٔ اکراه مقامات صالح باشد که در ادامه بررسی می‌شود.

در صورتی که تصور اشتباه از قانونی بودن دستور غیرقانونی یا اجرای آن به واسطهٔ اکراه و غرور مقامات صالح باشد، اگر اکراه قابل تحمل باشد، عرفاً رابطهٔ سببیت به مأمور قابل انتساب است و تنها عنصر تقصیر زائل شده باشد و از نظر عرفی فعل زیانبار مأمور قابل سرزنش نباشد،^۱ باید بین دو مورد تفکیک قائل شد، مورد اول، مسئولیت مبتنی بر تقصیر که در زمینهٔ آن اکراه رافع مسئولیت مأمور (مکره) است و مقامات صالح (مکره) مسئولیت دارد. برای مثال، مأمور اجرا در اثر اکراه مدیر اجرا در اجرای حکم طوری عمل می‌کند که در عرف اجرا، انتظار آن نمی‌رود و محکوم علیه حکم، می‌تواند اموال خود را از دسترس توقیف حفظ کند. در این مثال، اکراه مدیر اجرا رافع مسئولیت مأمور اجرا است. زیرا مسئولیت مأمور اجرا در اجرای چنین حکمی، مبتنی بر تقصیر است و اکراه مدیر اجرا، عنصر تقصیر را از بین می‌برد.

مورد دوم) مسئولیت محض که در آن مسئولیت مأمور (مکره) هم‌چنان باقی است و مأمور پس

۱. باید توجه کرد علل موجه یا عوامل رافع تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، شرایط، اوضاع و احوالی است که توجیه‌کننده و مشروع‌کنندهٔ فعل زیانبار است و در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، موجب می‌شوند تا عنصر تقصیر زائل شود. همان‌طور که با توجه به مفهوم نوعی تقصیر (سزاوار سرزنش بودن فعل زیانبار از نظر عرفی)، ارتکاب فعل زیانبار توسط مأمور به واسطهٔ اکراه و غرور مقامات صالح، در جایی که این موارد رابطهٔ سببیت بین فعل زیانبار مأمور و خسارات وارده را قطع نمی‌کنند، عرفاً اکراه و غرور آن مقامات عنصر تقصیر فعل زیانبار را از بین ببرد و ارتکاب فعل زیانبار به وسیلهٔ مأمور قابل سرزنش نباشد و به همین دلیل، مقامات صالح مسئولیت مدنی داشته باشند. البته از نظر تحلیلی، در مسئولیت مدنی، تفکیک عنصر تقصیر از رابطه سببیت باعث می‌شود تا با وجود رابطهٔ سببیت بین فعل زیانبار و خسارات وارده، عناوینی مانند حکم قانون و دستور مقامات صالح، دفاع مشروع، رضایت زیان‌دیده و اجرای حق، عنصر تقصیر را در مسئولیت مبتنی بر تقصیر از بین ببرند.

از جبران ضرر زیان‌دیده، می‌تواند به مقامات صالح، یعنی مک‌ره، رجوع کند. برای مثال، به موجب ماده ۲۴ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۸: «در مواردی که بنا بر مقتضیات حفظ نسل و حمایت حیوانات قابل شکار و صید، قطع اشجار و رستنی‌ها ضرورت داشته باشد، سازمان شکاربانی با موافقت سازمان جنگلبانی اقدام خواهد نمود». حال اگر «مستخدمین سازمان حفاظت محیط زیست» (ماده ۳۱ قانون اصلاح قانون شکار و صید سال ۱۳۵۳)، در اثر اکراه مقامات صالح و بدون موافقت سازمان جنگلبانی، به «قطع اشجار و رستنی‌ها» اقدام کنند، مسئولیت آن‌ها هم‌چنان باقی است، زیرا تخریب محیط زیست، مسئولیت محض است (Bell et al., 1998, p.363) و تقصیر زیان‌زننده در این نوع از مسئولیت شرط نیست (Gerhart, 2010, p.150).

البته اگر اکراه مقامات صالح غیرقابل تحمل باشد، رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار مأمور و خسارات زائل می‌شود و عرفاً زیان مستند به فعل مقامات صالح است و او مسئولیت مدنی خواهد داشت (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۷۱).^۱

۱. شایان ذکر است در بررسی مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی در نتیجه اکراه مقامات صالح، مقوله اکراه قابل تحمل و غیرقابل تحمل در حقوق کیفری قابل حل است و توجه به آن‌ها ضروری می‌نماید. با وجود این، از نظر مبنایی، ملازمه‌ای بین عدم مسئولیت کیفری با مسئولیت مدنی نداشتن فاعل فعل زیان‌بار دیده نمی‌شود و ممکن است شخصی از نظر کیفری مسئولیت نداشته باشد؛ ولی از حیث مدنی مسئول شناخته شود یا برعکس، شخصی از نظر مدنی مسئول نباشد، لیکن از حیث کیفری مسئولیت داشته باشد. بنابراین، در مطالعه مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی در نتیجه اکراه مقامات صالح، در حالتی که اکراه رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار مأمور و خسارات وارده را قطع نمی‌کند و تنها عنصر تقصیر و قابل سرزنش بودن فعل زیان‌بار را از بین می‌برد، قواعد حقوق کیفری از نظر مسئولیت مدنی راه‌حلی ارائه نمی‌دهند و فقط مأمور را قابل مجازات می‌دانند. پس، برای دستیابی به پاسخ حالت اخیر، رجوع به قواعد عمومی مسئولیت مدنی ضروری است که تفصیل این قواعد در متن مقاله گذشت. وانگهی، علل موجه یا عوامل رافع تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی لباس عاریتی نیستند که از مبحث عوامل توجیه‌کننده جرم یا اسباب اباحه در حقوق کیفری اقتباس شده باشند و عموماً استادان حقوق مسئولیت مدنی ایران و فرانسه، در آثار خود به تجزیه و تحلیل عوامل موجهه فعل زیان‌بار یا عوامل رافع تقصیر مانند حکم قانون و دستور مقامات صالح، دفاع مشروع، اضطرار، رضایت زیان‌دیده و اجرای حق پرداخته‌اند. همان‌طور که در بحث بررسی مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح به واسطه اکراه آن مقامات، دانشمندان حقوق کیفری در اکراه غیرقابل تحمل، از قابل مجازات نبودن مأمور سخن گفته‌اند؛ لیکن نویسندگان حقوق مسئولیت مدنی، حالت اخیر را زیرعنوان قطع رابطه سببیت مطالعه کرده‌اند و اساساً خسارات وارده را منتسب به مأمور نمی‌دانند.

در فرضی که تصور اشتباه مأمور از قانونی بودن دستور غیرقانونی یا اجرای آن در نتیجه غرور مقامات صالح و الزام او به اجرای دستور آن‌ها، موجب می‌شود تا از لحاظ عرفی زیان به مقامات صالح نسبت داده شود و مأمور مسئولیتی نداشته باشد، همان‌طور که در حقوق اسلامی، مبنای مسئولیت استناد عرفی زیان به عامل آن است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۱) و عرفاً در چنین اوضاع و احوالی نمی‌تواند زیان منتسب به مأمور باشد. بنابراین، غرور مقامات صالح در اجرای دستور غیرقانونی، باید در دو حالت مطالعه شود:

حالت اول) غرور مقام صالح عرفاً رابطه سببیت بین فعل مأمور و ورود ضرر را قطع می‌کند. در این حالت، غرور آن مقام موجب می‌شود تا مأمور به دلیل مغرور بودن مسئول نباشد؛

حالت دوم) غرور مقامات صالح، رابطه سببیت بین فعل مأمور و ورود ضرر را قطع نمی‌کند و تنها عنصر تقصیر را زائل می‌کند. باید در حالت دوم، بین دو مورد تفکیک قائل شد: ۱. مسئولیت مبتنی بر تقصیر که در این زمینه غرور مقامات صالح رافع مسئولیت مأمور (مغرور) است و مقام صالح قانونی (غار) مسئول به شمار می‌آید؛ ۲. مسئولیت محض که در آن مسئولیت مأمور (مغرور) هم‌چنان باقی است و او پس از جبران ضرر زیان‌دیده، می‌تواند به مقامات صالح (غار) رجوع کند که به تفصیل در اکراه مقامات صالح به آن‌ها اشاره شد.^۱

البته پرسش پیچیده‌تری نیز قابل طرح است و آن اینکه آیا صرف وجود رابطه آمری و مأموری موجب می‌شود تا عرفاً مأمور در اجرای دستور غیرقانونی، مگره به حساب آید یا خیر؟ در پاسخ به پرسش تأثیر اکراه مقامات صالح در مسئولیت مدنی به دلیل اجرای دستور غیرقانونی، می‌توان گفت: مسئولیت مدنی مقامات صالح و مأمور، از جمله مباحث اجتماع سبب و مباشر است و اصولاً ضرر ناشی از اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، به فاعل بالاراده (مأمور) نسبت داده می‌شود (حیدر، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۹۰؛ آتاسی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۲۶۱). زیرا اجرای

۱. البته به منظور ملاحظه تقسیم‌بندی دیگری از فرض‌های اشتباه قابل قبول از دستور به ظاهر قانونی به وسیله مقامات صالح و مأمور ر.ک. گلریز، ۱۳۹۴، حاشیه شماره ۲ ماده ۱۵۹، ص ۳۳۲.

دستور غیرقانونی، مأمور را در حکم وسیله‌ای در اختیار مقامات صالح قرار نمی‌دهد و اراده او را، سلب نمی‌کند؛ مبنای مسئولیت، احراز رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر زیان‌دیده است (Stuhmcke, 2001, p.47) و می‌توان این رابطه را در فعل زیانبار احراز کرد.

با وجود این، اگر «قاضی بر خلاف قانون به مأمورین اجرا دستور بدهد شخصی را تازیانه بزند» (مدنی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۳۶) یا «شهردار به رفتگر دستور تخریب دیواری را صادر» کند (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰). در این دو مثال، قاضی یا شهردار، مسئول است (منابع پیشین)، زیرا از دید عرف، به لحاظ استیلایی که مقامات صالح بر شخص مأمور دارند، مأمور به‌طور عادت نمی‌تواند در برابر دستور غیرقانونی آن‌ها مقاومت کند و لو اینکه مأمور «مکره واقعی نیست یعنی چنان نیست که اراده‌اش به‌طور کلی سلب شده باشد ولی چون عمل مستقیماً متناسب به» مقامات صالح است، او مسئول نیست (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳؛ علاوه بر این، ر.ک. داراب‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰؛ السراج، ۱۴۰۹، ص ۵۶۲). به دیگر سخن، عنوان مقامات صالح و لزوم اجرای دستور آن‌ها به‌وسیله مأمور، اوضاع و احوال خاصی به وجود می‌آورد که از نظر عرف بر رابطه سببیت تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را، به‌عنوان عامل اصلی ورود ضرر به زیان‌دیده نشان می‌دهد.

بنا به چنین ملاحظاتی، بخش دوم ماده ۱۵۹ و مواد ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، به حالت‌های مختلف اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح - آگاه بودن یا نبودن مأمور از غیرقانونی بودن دستور و اجرای دستور غیرقانونی یا تصور اشتباه مأمور از قانونی بودن دستور - اشاره‌ای نکرده‌اند. بنابراین، ضروری به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار به مسئولیت مدنی مأمور را در اجرای دستور غیرقانونی در حالت‌های گفته‌شده بررسی کند و مقرره‌ای قانونی برای این حالت‌ها پیش‌بینی کند. در پایان، شایان ذکر است حالت‌های مختلف اجرای دستور غیرقانونی به‌وسیله مأمور هم از منظر حقوق کیفری و هم حقوق مسئولیت مدنی قابل مطالعه است و در این مطالعه، حقوق مسئولیت مدنی باید به یافته‌های حقوق کیفری نیز نظر داشته باشد. زیرا در هر جا که به‌دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح به دیگری ضرری، اعم از بدنی، مالی و معنوی، وارد می‌شود، باید مسئولیت مدنی مأمور در این زمینه را بررسی کند

و باید حالت‌های مختلف قابل تصور درباره اجرای دستور غیرقانونی - که در گذشته به آن‌ها اشاره شد - مطالعه شود.

تبیین نشدن ملاک اشتباه قابل قبول در اجرای دستور غیرقانونی در حوزه مسئولیت مدنی

مطابق با بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی برای استنباط حکم مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح، باید به قواعد عمومی مسئولیت رجوع شود. از جمله این قواعد، اتلاف، تسبیب و غرور و مانند این‌ها است. لذا، برای دادگاه در رجوع به مقررات عمومی مسئولیت مدنی، به منظور استنباط حکم مسئولیت مأمور می‌توان دو حالت تصور کرد:

حالت اول) حالتی است که قاعده‌ای عمومی در این زمینه وجود دارد. برای مثال، مقامات صالح در اجرای دستور غیرقانونی مأمور را فریب می‌دهند. در این مثال، دادگاه با رجوع به قاعده عمومی غرور، می‌تواند مسئولیت یا عدم مسئولیت مأمور را در اجرای چنین دستوری به دست آورد.

حالت دوم) حالتی است که نمی‌توان قاعده‌ای عمومی در زمینه استنباط حکم مسئولیت مدنی مأمور یافت. برای مثال، درباره ملاک اشتباه قابل قبول در اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح و ارتباط آن با اشتباه قابل قبول در مسئولیت کیفری، قاعده‌ای عمومی در حقوق مسئولیت مدنی دیده نمی‌شود.

در تبیین ملاک اشتباه قابل قبول مأمور در اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح باید گفت: ملاک رفتار مأمور محتاط و هوشیار است: بدین معنا که، دادگاه باید بررسی کند آیا یک مأمور محتاط و هوشیار، در اوضاع و احوال خاص مأمور، دستور غیرقانونی مقامات صالح را اجرا می‌کند یا خیر؟ که در فرض اجرا، مأمور مسئول شناخته نمی‌شود (Yeats et al., 2005, pp.22-23; Kodilinye, 2003, p.81). برای مثال، مهندس شهرداری به کارگران، دستور تخریب دیوار در حال خرابی را می‌دهد. در این مثال، تخریب دیوار از طرف کارگران، موجب مسئولیت مدنی آن‌ها نمی‌شود، ولی اگر مهندس شهرداری به کارگران، دستور زدن صاحب دیوار را بدهد، آن‌ها مسئولیت دارند.

توجه به شرایط، و اوضاع و احوال خاص مأمور محتاط و هوشیار در اجرای دستور غیرقانونی، در مسئولیت مدنی مقامات صالح و مأمور در امور پزشکی، دارویی و شیمیایی بیشتر نمایان است. برای مثال، در دعوای رو به طرفیت مینیستری (۱۹۵۴)^۱

خواهان‌ها، که به علت تزریق داروی بیهوشی در هنگام عمل فلج شده بودند، جبران زیان خود را از دادگاه تقاضا کردند. البته دلیل فلج شدن خواهان‌ها، عیوب جزئی و غیرقابل پیش‌بینی در آمپول تزریقی بود که با توجه به سطح دانش در زمان تزریق (۱۹۴۷)، قابل پیش‌بینی نبود و دادگاه به عدم مسئولیت مأمور تزریق‌کننده حکم داد. زیرا مأمور تزریق‌کننده «نمی‌توانست عیوب غیرقابل پیش‌بینی [آمپول را در زمان تزریق] بداند، ولی این به معنای تقصیر او نسبت به عیوبی که در وقت تزریق نمی‌داند، نمی‌باشد. ما نباید به حادثه‌ای که در سال ۱۹۴۷ اتفاق افتاده است، با عینک سال ۱۹۵۴ [سال اقامه دعوا] نگاه کنیم» (Deakin et al., 2007, p.232). در حالی که مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، به ملاک اشتباه قابل قبول در اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح در حوزه پزشکی اشاره‌ای نمی‌کند.

پرسش دیگر درباره اشتباه قابل قبول و مؤثر در اجرای دستور غیرقانونی، این است که ملاک اشتباه قابل قبول در مسئولیت‌های کیفری و مدنی با یکدیگر متفاوت‌اند؟ اساساً مسئولیت‌های کیفری و مدنی در وجه سلبی خود چه نیازی به مفهوم مستقل اشتباه قابل قبول دارند و اثر آن چیست؟

همان‌طور که بارها گفته شد، به موجب بند دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، اگر مأمور در اجرای دستور مقامات صالح اشتباه قابل قبولی داشته باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.^۲ بنابراین، در هر حال مسئولیت کیفری مأمور در اجرای دستور

1. Roe V. Ministry (1954).

۲. به منظور ملاحظه نمونه‌ای از تلاش استادان حقوق جزا در مراجعه به مقررات مربوطه برای استنباط حکم مسئولیت مدنی مأمور در اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح به واسطه اشتباه قابل قبول رک. سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۵۲۲-۵۲۱.

غیرقانونی به واسطه اشتباه قابل قبول از بین می‌رود، ولی آیا اجرای امر به ظاهر قانونی به دلیل اشتباه قابل قبول موجب سلب مسئولیت مدنی مأمور نیز می‌شود؟ بنابراین، برای تبیین ملاک اشتباه قابل قبول در حوزه مسئولیت مدنی، باید به قواعد عمومی مسئولیت مراجعه شود و اگر ملاک اشتباه قابل قبول در مسئولیت کیفری و مدنی با یکدیگر متفاوت باشد، اثر آن جایی بروز می‌کند که مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مسئولیت کیفری نداشته باشد، ولی از نظر مدنی مسئول شناخته شود یا برعکس، مأمور از حیث مدنی مسئول باشد، ولی از نظر کیفری مسئولیت نداشته باشد.

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان، با توجه به نظریه‌های اجرای فعل به ظاهر قانونی، اطاعت محض و اطاعت از روی آگاهی، اگر مأمور امر به ظاهر قانونی مقام مافوق را اجرا کرده باشد، مسئولیت مدنی ندارد و بند ۴ ماده ۱۲۲ قانون جزای جدید، مصوب ۲۲ جولای ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا از اول مارس ۱۹۹۴، که اعلام می‌کند: «کسی که دستور مقام قانونی را اجرا کرده باشد ... مسئولیت کیفری ندارد، مگر اینکه امر به ظاهر غیرقانونی را انجام داده باشد»، نیز این نتیجه را تأیید می‌کند (Viney & Jourdain, 1998, p.502). از عبارات‌های یادشده، قابل استنباط است که اشتباه قابل قبول در مسئولیت مدنی و کیفری با یکدیگر تفاوتی ندارند و مأموری که به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح در اثر اشتباه قابل قبول مسئول نیست، از نظر مدنی نیز مسئول شناخته نمی‌شود. البته به باور برخی استادان، «اگر اجرای دستور به ظاهر غیرقانونی ... غیرمتعارف باشد، مأمور مسئولیت مدنی خواهد داشت» (Aubert & Savaux, 2007, p.115) و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مطابق با نظریه اخیر، صرف اجرای دستور به ظاهر غیرقانونی موجب مسئول شناخته شدن مأمور نمی‌شود، بلکه باید اجرای این‌گونه دستورها غیرمتعارف باشد.

به نظر می‌رسد در حقوق ایران ملاک اشتباه قابل قبول در اجرای دستور غیرقانونی در حوزه مسئولیت کیفری و مدنی از یکدیگر متفاوت است، در حوزه مسئولیت کیفری منظور از اشتباه یادشده، اجرای امر به ظاهر قانونی است (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۶۸؛ نجفی توانا و میلکی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۴؛ ولیدی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۸)؛ در حالی که در حوزه مسئولیت مدنی، صرف اجرای امر

به ظاهر قانونی برای سلب مسئولیت از مأمور کافی نیست، بلکه اجرای این گونه دستورها باید متعارف نیز باشد و باید یک مأمور متعارف در اوضاع و احوال مأمور مجری، دستور را انجام دهد تا اشتباه مأمور مجری در اجرای دستور قابل قبول باشد. علاوه بر اینها، پرداخت دیه یک مسئولیت محض است و صرف ارتکاب فعل زیانباری به نحوی که نتیجه آن منتسب به مأمور باشد، برای مسئول شناخته شدن او کافی است و ارتکاب تقصیر می تواند یکی از شیوه های انتساب فعل زیانبار به مأمور در بحث دیات باشد (ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی). بنابراین، اگر اجرای دستور به ظاهر قانونی متعارف نباشد، نوعی تقصیر است و مأمور مسئولیت مدنی خواهد داشت.

نتیجه و پیشنهادها

از مجموع مباحث این نتایج به دست می آید که به مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی در زمینه مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح با ایرادهای ساختاری و ماهوی و فنی روبه رو است. بنابراین، ایرادهای ساختار قانون نویسی مواد گفته شده عبارتند از تعارض آنها با لزوم پیش بینی مسئولیت مدنی مأمور به واسطه اجرای دستور غیرقانونی در مجموعه قوانین مدنی و واحد بودن مبنا و شیوه قانون گذاری که تفصیل هر یک از ایرادها در طول مقاله گذشت. همچنین، ایرادهای ماهوی و فنی مواد ۱۵۹، ۴۷۳، ۴۹۵ و ۴۹۶ در دو محور پیش بینی نشدن حالت های مختلف اجرای دستور غیرقانونی و تأثیر آنها بر مسئولیت مدنی مأمور و تبیین نشدن ملاک اشتباه قابل قبول در اجرای دستور غیرقانونی در حوزه مسئولیت مدنی بررسی شد. به عنوان یافته های مقاله و نیز پیشنهادهای آن به قانون گذار، مجموعه قوانین مدنی می تواند همه مسائل راجع به مسئولیت مدنی مأمور به واسطه اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح را پوشش دهد و راه حل های مطلوب و جامع در این زمینه را مقرر دارد. بنابراین، با پیش بینی مسئولیت مدنی مأمور به دلیل اجرای دستور غیرقانونی در مجموعه قوانین مدنی، ایرادهای ساختاری قانون نویسی قانون مجازات اسلامی در زمینه مسئولیت مدنی مأمور به واسطه اجرای دستور غیرقانونی مقامات صالح از بین خواهد رفت. البته در رفع ایرادهای ماهوی و فنی مواد یاد شده، اول اینکه در حالت های مختلف اجرای دستور غیرقانونی به وسیله مأمور، باید موردی که

مأمور از غیرقانونی بودن دستور آگاه است از موردی که از غیرقانونی دستور آگاه نیست، تفکیک شود و در هر یک از این موارد، اجرای دستور ممکن است در نتیجه غرور یا اکراه مقامات صالح باشد. اگر مأموری که از غیرقانونی بودن دستور مقامات صالح آگاه است، بدون اکراه یا غرور آن مقامات، دستور را اجرا کند، مأمور مسئولیت مدنی خواهد داشت. البته در حالت اخیر، در صورتی که اجرای دستور به واسطه غرور یا اکراه مقامات صالح باشد، حکم آن در دو صورت متفاوت است، اول، اکراه یا غرور مقامات صالح رابطه سببیت بین فعل زیانبار مأمور و خسارات را قطع کند که عرفاً زیان به آن مقامات قابلیت انتساب دارد؛ دوم، اکراه یا غرور مقامات صالح رابطه سببیت بین فعل زیانبار مأمور و خسارات را قطع نکند و فقط عنصر تقصیر و قابل سرزنش بودن عرفی فعل زیانبار مأمور را زائل کند که در این صورت، صرفاً در مسئولیت مبتنی بر تقصیر و نه مسئولیت محض، مأمور مسئولیت مدنی نخواهد داشت و مقامات صالح ملزم به جبران خسارات خواهند بود. البته درباره مسئولیت محض، مأمور پس از تدارک خسارات، می‌تواند به مقامات صالح رجوع کند؛ دوم اینکه، دادگاه‌ها در ارزیابی رفتار مأمور در اجرای دستور غیرقانونی به‌عنوان اشتباه قابل قبول در حوزه مسئولیت مدنی، باید به معیار رفتار مأمور متعارف در اوضاع و احوال مأمور مجری توجه کند و آن ملاک با ملاک اشتباه قابل قبول در حوزه مسئولیت کیفری (اجرای دستور به‌ظاهر قانونی) متفاوت است.

منابع و مأخذ

۱. آتاسی، محمدخالد (۱۳۴۹). شرح‌المجمله. جلد اول، چاپ اول، بی‌جا: بی‌نا.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. جلد اول، چاپ ۴۵، تهران: نشر میزان.
۳. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی. چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۵. توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۶. حق‌پناهان، عباس (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل حقوقی و جرم‌شناسی قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی نوین. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل - جاودانه.
۷. حیدر، علی (۱۴۱۱). دررالاحکام، شرح مجله‌الاحکام. جلد اول، چاپ اول، بیروت: دارالجیل.
۸. دادبان، حسن (۱۳۸۲). نمونه‌ای از جریان اعمال ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی راجع به امر قانونی و امر غیرقانونی آمر قانونی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۲، صفحات ۱۹۸-۲۱۱.
۹. داراب‌پور، مهرباب (۱۳۸۷). مسئولیت‌های خارج از قرارداد. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۱۰. رحیمی، حبیب‌الله و صفایی، حسین (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. سبزواری‌نژاد، حجت (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی (جرم، مجرم، مسئولیت کیفری و موانع آن). جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل و جاودانه.
۱۲. سراج، محمداحمد (۱۴۰۹). ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی، درسه فقهیه مقارنه بأحكام المسئولیه التصصیریه فی القانون. چاپ اول، قاهره: دارالتقافه للنشر والتوزیع.
۱۳. سنهوری، عبدالرزاق احمد (بی‌تا). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، نظریه الالتزام بوجه عام مصادر الالتزام. جلد اول، چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۴. صفری کاکرودی، عابدین (۱۳۸۵). مسئولیت مأمور در اجرای امر آمر قانونی. دانش انتظامی، شماره ۳۶، صفحات ۱۲۴-۱۲۲.
۱۵. عربیان، اصغر و حقیقی، مه‌ری (۱۳۹۰). امر آمر قانونی و چالش نظارتی در محدوده ماده ۹۱ قانون محاسبات عمومی. دانش حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۲۴، صفحات ۱۱۰-۱۰۸.
۱۶. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵). حقوق جنایی. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.
۱۷. فرج‌اللهی، رضا (۱۳۷۶). بررسی امر آمر قانونی در حقوق جزای ایران و فرانسه. مجله دادرسی، شماره ۲، صفحات ۳۴-۳۳.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری). جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۲). تحریرالمجله. جلد اول، تحقیق: محمد ساعدی، چاپ اول، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه.
۲۰. گلریز، امین (۱۳۹۴). شرح کامل قانون مجازات اسلامی در نظام عدالت کیفری ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۲۱. محقق‌داماد، مصطفی (۱۳۸۸). قواعد فقه، بخش مدنی، مالکیت، مسئولیت. چاپ ۲۲، تهران: نشر علوم اسلامی.
۲۲. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۳). حقوق مدنی. جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات پایدار.
۲۳. موسوی خمینی، مصطفی (۱۴۱۸). تحریرات فی‌الأصول. جلد پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۴. مهرپور، حسین (۱۳۷۱). مجموعه نظریات شورای نگهبان. جلد اول، چاپ اول، تهران: مؤسسه کیهان.
۲۵. نجفی توانا، علی و میلکی، ایوب (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی (تحلیلی - انتقادی - تطبیقی). جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل و جاودانه.
۲۶. نوربها، رضا (۱۳۸۵). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ ۱۶، تهران: کتابخانه گنج دانش.

۲۷. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۲). شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق. چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل و جاودانه.

28. Deakin, S., Johnston, A. & Basil, M. (2007). *Markesinis and deakin's tort law*. 6thed, Oxford: Clarendon Press.
29. Ferrari, F. (1993). Comparative remarks on liability for one's own acts. *Loyola of Los Angeles International and Comparative Law Review*, p 845-846; Available at: <http://digitalcommons.lmu.edu/ilr/vol15/iss4/3>.
30. Lawson, F.H., Anton, A.E. & Neville, B. (1967). *Introduction to French Law*. Oxford: Clarendon Press.
31. Malaurie, P. & Laurent, A. (2001). *Cours de droit civil, Les Obligations*. T. I, 11^e éd, Paris: Éditions Cujas.
32. Stuhmcke, A. (2001). *Essential Tort Law*. 2thed, Sydney- London: Cavendish Publishing (Australia) Pty Limited.
33. Terré, F., Simler, Ph. & Yves, L. (1996). *Droit civil, Les obligations*. 6^e éd, Paris: Dalloz.
34. Viney, G. & Patrice, J. (1998). *Traité de droit civil, Les conditions de la responsabilité*. 2^e éd, Paris: L.G.D.J.
35. Voirin, P. & Gilles, G. (2001). *Droit Civil*. T. I, 28^e éd, Paris: L.G.D.J.